

تهدیدات بوش، استقبال خامنه ای



فاتح شیخ الاسلامی

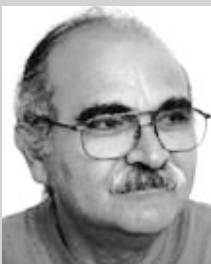
یک بمب نخواهد بود. دلیل استقبال خامنه ای از رویارویی با تهدیدات بوش چیزی جز این نیست. دخالت نظامی آمریکا میتواند روند مبارزه مردمی را که فی الحال برای سرنگونی رژیم به میدان آمده اند قبیچی کند. در ارتباط با رژیم عراق، ۱۱ سال است که آمریکا و غرب با سلاح کشتار جمعی تحریم اقتصادی، مردم عراق و کودکان عراق را می کشند و از این راه به رژیم صدام حسین

بوده اند که در مقابله با قطب کمونیسم و چپ و آزادیخواه جوامع خاورمیانه، به طرق مختلف زیر بال اسلام سیاسی و رژیمهای اسلامی را گرفته اند. تهدید جمهوری اسلامی توسط بوش تا آنجا که به اقدام نظامی برگردد در شرایط کنونی محتمل نیست. اما به فرض محتمل بودن، واضح است که اگر بوش بخواهد به خامنه ای و دوام رژیمش خدمت کند، هیچ خدمتی بهتر از یک اقدام نظامی حتی در حد زدن

جنجال بی تناسبی حول سخنرانی هفته قبل بوش براه افتاده است. بوش رژیمهای حاکم بر ایران و عراق و کره شمالی را در ارتباط با تروریسم و سلاح های کشتار جمعی "محور شر" خوانده و آنها را تهدید کرده است! اما چه چیز تازه ای در این میان تازگی دارد؟ اینکه جمهوری اسلامی تروریست است؟ این را سالهاست ما و مردم آزادیخواه ایران و منطقه گفته ایم، این غرب و آمریکا

امکان بقا میدهند. و بالاخره کره شمالی را تنها به این دلیل در ضلع مثلث "محور شر" جا داده اند که چنین محوری

صفحه ۲



بازگشت به انقلاب نگاه دیگری به انقلاب ۵۷

صفحه ۳

پرچم برابری طلبی در دست شما است

صفحه ۴

جهت اطلاع عموم صفحه ۲

به کارگران سراسر ایران:

برای افزایش دستمزدها به میدان بیاید!

مهباست. امسال میتواند سال بسیار متفاوتی باشد. میتواند سال افزایش چندین برابر دستمزد باشد. میتواند سال به میدان آمدن نیروی طبقاتی کارگران برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و کسب آزادی و برابری باشد. رقفا! در همه جا مجامع عمومی تان را برپا کنید. عوامل حکومت را طرد و تشکلهای طرفدار آنرا سریعاً منزوی کنید. مرجع اصلی تعیین دستمزد نه هیئت وزرا و خانه کارگر جمهوری اسلامی که خود شما هستید. برای یک زندگی انسانی حداقل، دستمزد شما و معلمان باید دستکم ده برابر میزان فعلی باشد. در مجامع عمومی تان حداقل دستمزد را تعیین کنید و اقدامات لازم برای عقب راندن جمهوری اسلامی و شوراییالی کار کذایی را در دستور بگذارید. قطعنامه صادر کنید، اعتصاب و تظاهرات و راهپیمایی ترتیب دهید. در

زندگی کارگران را به قهقرا کشانده است. امسال سال تغییر این معادله منحوس است. معلمان فی الحال به خیابان آمده اند. مبارزه آنها و حمایت مردم از آنها جمهوری اسلامی را به تنگنا کشانده است. جمهوری اسلامی غرق در بحران حکومتی است. به پرونده جنایات سران حکومت، اکنون دزدیها و سوء استفاده های کلان هم اضافه شده است. خودشان دارند دست همدیگر را رو میکنند. دزدی ها و رشوه خواری ها چنان وسیع است که مشروعیت اخلاقی حکومت اسلامی را در میان طرفدارانش هم سلب کرده است. اسلام سیاسی و حکومت اسلامی زیر فشار متحد قدیمی خود، غرب و آمریکا، قرار گرفته است. در یک کلام اوضاع سیاسی عمومی برای یک مبارزه متحد و گسترده کارگران برای بهبود اوضاع خود و کل جامعه بسیار

فضای مبارزه برای افزایش دستمزدها در بین کارگران چنان است که مزدوران خانه کارگر جمهوری اسلامی به تک و تا افتاده و ادعا میکنند که پیشنهاد دو برابر و سه برابر شدن افزایش دستمزد را به شوراییالی کار می برند. نقش اینها همانند گذشته این است که اولاً شوراییالی کار جمهوری اسلامی را بعنوان مرجع تعیین دستمزد به خورد کارگران بدهند، ثانیاً خود را بعنوان "نمایندگان کارگران ایران" در مذاکره بر سر دستمزد جا بزنند، ثالثاً، و مهمتر، بعد که دولت افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی را اعلام کرد با کمی غرولند قبول کنند و وعده بدهند "انشاء الله سال دیگر". چندین سال است که جمهوری اسلامی به کمک همین عوامل دست ساز خود (و البته با تکیه بر یکی از سپاه ترین اختناق های معاصر)

مبارزه برای افزایش دستمزدها، یک عرصه قدرتمایی کارگران

صفحه ۴

یک دنیای بهتر

برنامه حزب

کمونیست کارگری

را بخوانید!

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۵۲۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ بهمن ۱۳۸۰،
۱ فوریه ۲۰۰۲

از صفحه ۱

تهدیدات بوش

میتواند چارچوب بزرگتر و میدان مانور وسیعتری برای قلدی و قدرتمانی نظامی در اختیار بوش و هیات حاکمه آمریکا بگذارد. مرکز تروریسم اسلامی خاورمیانه است و رژیم کره شمالی در تغذیه تروریسم اسلامی نقشی بمراتب کمتر از آمریکا دارد.

واقعیت اینست که بوش و هیات حاکمه آمریکا در پی مقابله با تروریسم نیستند، بلکه با استفاده از فرصت ایدئولوژیک بی نظیری که تروریسم اسلامی با جنایت ۱۱ سپتامبر برایشان فراهم کرد و بویژه با هزیمت سریع طالبان، بجای یک مبارزه موثر علیه تروریسم و پایه های آن، تنها در پی تثبیت هژمونی سیاسی و نظامی آمریکا بعنوان تنها ابرقدرت جهان هستند. گرچه ۱۱ سپتامبر

آمریکا را به رویارویی ناگزیر با اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی کشاند، اما واقعیت اینست که آمریکا در صدد شکست اسلام سیاسی نیست بلکه در صدد برآوردن و مهار کردن آنست. ما بارها بر این واقعیت تاکید کرده ایم که مساله فلسطین و رژیمهای اسلامی پایه های تروریسم اسلامی هستند و یک مبارزه سیاسی موثر علیه تروریسم از مسیر تشکیل دولت فلسطین، از مسیر حمایت نکردن از سیاست سرکوب و اشغال اسرائیل، از مسیر لغو تحریم اقتصادی عراق و از مسیر کمک به ساقط کردن رژیمهای اسلامی میگردد.

تهدیدات اخیر بوش تا آنجا که به تثبیت ابرقدرتی آمریکا بر میگردد اساسا متوجه قطب های قویتری در صف متحدان تانکونی اش یعنی اروپا و روسیه و چین است. آمریکا در پشت پرده جنگ علیه تروریسم در پی آنست که نظم جهانی مورد نظر خود را به حریفان جهانی اش تحمیل کند، تهدید

رژیمهای ایران و عراق و کره شمالی، ابزاری در خدمت این هدف فراگیرتر است. عبارت "محور شر" یک تقلید کمیک از عبارت "امپراتوری شر" است که بیست سال پیش توسط رونالد ریگان در مورد شوروی ابداع شده بود. جورج دبلیو بوش با این تقلید آشکار و آگاهانه میخواهد بگوید که مصمم است تلاش ناتمام ریگان و جورج بوش (پدر) برای تثبیت آمریکا بعنوان تنها ابرقدرت جهان را به اتمام برساند. بوش با تعقیب یکجانبه قدرتمایی نظامی در خدمت ابرقدرتی آمریکا و با حمایت یکجانبه از اسرائیل، راه مبارزه موثر علیه تروریسم را انتخاب نمیکند، بلکه آب به آسیاب تروریسم اسلامی میریزد. در چنین شرایطی، تهدیدات نظامی بوش علیه رژیم عراق و جمهوری اسلامی نه فقط به تداوم حاکمیت کثیف آنها بر مردم خدمت میکند بلکه خواهد توانست کل منطقه را به آتش بکشد. ■

جهت اطلاع عموم

با توجه به اینکه تعداد زیادی از دوستان طی تماسهایی خواهان کمک به امر معالجه منصور حکمت شده اند، به این وسیله شماره حسابهای زیر را در اروپا و آمریکا به اطلاعتان میرسانیم. در صورت تمایل لطفا فیش پرداخت را به شماره فکس حزب ارسال کنید.

آذر مدرسی

از طرف هیات دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۵ فوریه ۲۰۰۲

دوستانی که سالی داشته باشند میتوانند با شماره تلفن و آدرس ای میل زیر با من تماس بگیرند:

تلفن: ۰۰۴۴ ۷۸۱ ۵۹۰۲۲۳۷

آدرس ای میل: AzarModaresi@web.de

شماره فکس حزب: ۰۰۴۴ ۸۷۰ ۱۳۵۱۳۳۸

شماره حساب در آلمان:

دارند حساب: Modaresi

شماره حساب: 2208622234

اسم بانک: CITIBANK, Privatkunden AG

آدرس بانک: Kasernenstr. 10, 40213

Dusseldorf, Germany

کد بانک در آلمان: 30020900

کد بین المللی بانک: Citideff

شماره حساب در انگلیس:

دارنده حساب: WPI

شماره حساب: 45 47 79 81

اسم بانک: Natwest bank

کد بانکی: 60 24 23

شعبه بانک: Wood green

بزودی شماره حساب در آمریکا نیز به اطلاع خواهد رسید.

راهپیمائی اعتراضی کارگران نساجی تار

۱۰۰۰ کارگر نساجی تار قائم شهر پرداخت نشده و تولید کارخانه نیز متوقف شده است. به گفته مسئولان این کارخانه حقوق و مزایای آذر و دی ماه ۱۷۵۰ کارگر شاغل در نساجی طبرستان هنوز پرداخت نشده است. ■

شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی مسئولین جمهوری اسلامی به خواستههایشان و پرداخت فوری دستمزدهای معوقه خود شدند. بدنبال مذاکره ۳۰ نفر از نمایندگان کارگران با فرماندار قائم شهر و قول رسیدگی به خواستههای آنها، کارگران به محل کار خود بازگشتند. حقوق ماههای آذر و دی

کارگران نساجی تار قائم شهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه خود و دیگر مشکلات و مطالباتشان در خیابانهای این شهر دست به راهپیمائی زدند. کارگران که تعدادشان متجاوز از ۴۰۰ نفر بود با راهپیمائی از محل کارخانه و طی کردن چند خیابان در مقابل فرمانداری قائم

از صفحه ۴

مبارزه برای افزایش دستمزدها،

آنها بگذارند. کارگران خواهان افزایش دستمزدهایشان هستند و بدون شک جو اعتراضی تانکونی و مبارزه معلمان برای خواست افزایش حقوقشان تا همین الان مهر خود را کوبیده است و دولت را در موقعیت بسیار دشواری برای مقابله با این خواست

کارگران قرار داده است.

در توازن قوای کنونی شرایط نه تنها برای پیشبرد مبارزه حول خواست افزایش دستمزدها و خواست پرداخت دستمزدهای معوقه، بلکه برای مبارزه حول دیگر خواستها و مطالبات کارگری بیش از هر وقت فراهم است و کارگران میتوانند پر قدرت تر از هر زمان بیدان آیند. امسال شرایطی است که میتوان مبارزه حول افزایش دستمزدها را به عرصه قدرتمایی طبقه کارگر در مقابل جمهوری اسلامی تبدیل کرد. سازماندهی مبارزه ای سراسری حول خواست افزایش دستمزدها در دستور فوری و همین امروز کارگران

کمونیست و فعالین کارگری قرار دارد. باید در مجامع عمومی کارگری، کارگران را بر سر این خواست متحد کرد. با برقراری ارتباط با مجامع عمومی کارخانجات دیگر این مبارزات را در ابعادی سراسری سازمان داد. "دست شوراهای اسلامی کوتاه" باید یکی از بندهای قطعنامه های مصوبه مجامع عمومی کارگران باشد. دامن زدن به جنبش سراسری مجامع عمومی کارگری یک حلقه کلیدی در سازماندهی مبارزه ای سراسری حول خواست افزایش دستمزدها و دیگر مطالبات کارگران است. ■

از صفحه ۴

پرچم برابری طلبی

بازهم بیشتر داده است. مباحث شما بعلاوه در جامعه سوئد، دریچه ای شده است بروی حقایق بزرگ تر و بی بردن مردم به این واقعیت که یک جنبش عظیم سکولاریستی و برابری طلبانه در کشورهایمانند ایران در حال نشو و نما است.

امیدوارم متحد، نقشه مند، سازمان یافته و با استفاده از موقعیت درخشانی که شما در جامعه سوئد احراز کرده اید، قدم

به قدم اسلاميون را از سنگرهای که در قلب اروپا در سالهای جنگ سرد و به کمک دول مرتجع این کشورها برای خود دست و پا کرده اند عقب برانید. پرچم مقابله با تحركات اسلاميون، پرچم برابری طلبی، پرچم دفاع از جهانشمولی حقوق کودکان و زنان، پرچم آزادیخواهی و انسانیت در دست شما است. شما را نمیتواند عقب برانند. دست همگی تان را صمیمانه میفشارم.

اصغر کریمی

جانشین رئیس دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ فوریه ۲۰۰۲

رادیو انترناسیونال را روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

بازگشت به انقلاب نگاه دیگری به انقلاب ۵۷

حمید تقوائی

انقلاب ۵۷ چه بود و چرا شکست خورد؟

در سالروز قیام بهمن جا دارد یکبار دیگر به این سؤال بپردازیم. برای انقلابی که در راه است شناخت حقیقت انقلاب گذشته، حقیقتی که نه تنها از جانب رژیم، بلکه از طرف ناظرین و محققین و رسانه های غربی و حتی بسیاری از نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی انکار و تحریف میشود، امری حیاتی است.

انقلاب ۵۷ یک جنبش عظیم توده ای بود برای رهائی و آزادی. مردم بپا خاستند چون دیگر شرایط دیکتاتوری و اختناق زمان شاه را نمیخواستند و خواهان یک جامعه آزاد و برابر و مرفه بودند. آرمانهای آنروز مردم همانهایی است که امروز دوباره در جنبش وسیعی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی آغاز شده از طرف مردم دارد مطرح میشود: آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی تشکل و اعتصاب، افزایش دستمزدها و رفع تبعیضات و نابرابری های اجتماعی و اقتصادی. کسانی که شاهد انقلاب ۵۷ بوده اند و آن دوره را بیاد دارند میدانند که نقطه شروع انقلاب ۵۷ جنبش خارج محدوده نشینان بود یعنی اعتراضات کارگران و زحمتکشان شهری که از ابتدائی ترین امکانات رفاهی محروم بودند، نه خانه و سرپناهی داشتند و نه هیچ نوع امکانات زندگی. توده زحمتکشی که به شهرها رانده شده بود برای آنکه تحت شرایط خیلی سخت و با استثمار بالائی بیکاری کند و هیچ چیزی نداشته باشد. انقلاب را در واقع این توده زحمتکش شهری با طرح ابتدائی ترین خواسته های انسانی آغاز کرد. در ادامه این حرکت خواست آزادیها از جانب اقشار مختلف مردم مطرح شد. روشنفکران و دانشجویان در دانشگاهها جمع میشدند و تحت عنوان شهبای شعر اعتراضشان به دیکتاتوری را بیان میکردند، با ایجاد اولین شکافها در دیوار اختناق، مردم وسیعا به خیابانها آمدند، تظاهرات های توده ای در شهرها به حرکت

انسانی و مرفه بپا خاستند و به انقلاب عظیمی که در تاریخ ایران بیسابقه بود شکل دادند.

مهمترین خصوصیت انقلاب ۵۷ شرکت وسیع و تعیین کننده کارگران در آن بود. البته کارگران و زحمتکشان شهری در همه تحولات معاصر ایران به نحوی نقش داشته اند اما نقش و ثقل آنها در انقلاب ۵۷ کیفیتا از گذشته متفاوت بود. برای اولین بار در تاریخ ایران کارگران یک وزنه سیاسی و اجتماعی موثری را تشکیل میدادند. گرچه کارگران از تشکل صنفی و سیاسی محروم بودند و بویژه عدم وجود یک حزب کمونیست کارگری به آنان امکان دخالت مستقل در عرصه مبارزه سیاسی را نمی داد، اما علیرغم این نفس وجود اجتماعی این طبقه، و خواستها و تمایلات رادیکالش خصلت متفاوتی به تحولات انقلابی در ایران می بخشید. و این عامل یک وجه تمایز اساسی انقلاب ۵۷ با تحولات قبلی نظیر انقلاب مشروطه و یا تحولات سالهای ۳۰ بود. این بار طبقه ای پا به عرصه مبارزه گذاشته بود که بنا به موقعیت اجتماعی-اقتصادی خواسته های رادیکالی داشت، میخواست نظام شاهنشاهی را زیر و رو کند و خواستار آزادی و برابری و عدالت اجتماعی بود. ما برای اولین بار در تاریخ تحولات سیاسی در ایران شاهد شکل گیری و گسترش شوراها و جنبش شورائی، در دست گرفتن کنترل کارخانه ها بوسیله کارگران و اعتصابات وسیع کارگری از جمله اعتصاب کارگران نفت با خواسته های سیاسی رادیکال، هستیم. اعتصابی که باذعان همه در آن دوره پشت رژیم شاه را شکست و عامل تعیین کننده ای در سرنگونی این رژیم بود. انقلاب ۵۷ مهر طبقه کارگر را بر خود داشت.

بسیاری از ناظرین سیاسی و حتی نیروهای اپوزیسیون انقلاب ایران را یک انقلاب اسلامی میدانند. اما آنچه اسلامی بود در واقع ضد انقلاب بود و نه انقلاب. انقلاب با خواسته های شروع شد که هیچ اثری از اسلام در آن نبود. مردم علیه اختناق شاهنشاهی و برای آزادی و رفاه بپا خاسته بودند. انقلاب ۵۷ با شوراها، با اعتصاب کارگران نفت، با جنبش دهقانان و زحمتکشان کردستان و ترکمن صحرا و با شعار "برابری برادری حکومت کارگری" مشخص میشود. اسلام سیاسی در مقابل این شعار و این جنبشها قرار داشت. و بهمین دلیل هم آمریکا و دولتهای غربی وقتی

متوجه شدند که از رژیم شاه دیگر کاری ساخته نیست، خمینی و اسلام خمینی را که از موضعی کاملاً ارتجاعی با شاه مخالف بود، از کنج عزلت بیرون کشیدند و بجان انقلاب انداختند. کاری که شاه و شریف امامی و بختیار و ازهرای نتوانستند بکنند، خمینی و خیل آخوندهای ارتجاعی اش تحت نام انقلاب به سرانجام رساندند. این بخاطر بقدرت رسیدن نبود که اسلام سیاسی ارتجاعی شد، برعکس دلیل ارتجاعی بودن بود که اسلام سیاسی بقدرت رسید و یا درست تر بگوئیم بقدرت رسانده شد. خمینی را به پاریس بردند، زیر نورافکن قرار دادند، تریبون در اختیارش گذاشتند و رهبرش کردند. و به این ترتیب به انقلاب رنگ اسلامی زده شد و سلاح "سرکوب انقلاب به نام انقلاب" حادای شد. عدم وجود یک نیروی

چپ رادیکال و قوی، که خود یک "دستاورد" اختناق آریامهری در ایران بود، و وجود جریانات و سنتهای فکری و سیاسی ملی - مذهبی شبیه آنچه امروز در اپوزیسیون دوزخدادی شاهدش هستیم، به غرب اجازه داد تا ارتجاعی ترین فرد تاریخ سیاسی معاصر ایران را بعنوان "انقلابی ترین مرد جهان" به مردم بفروشد. دیکتاتوری شاه نتوانست مستقیماً در مقابل انقلاب بایستد اما شرایطی که اختناق شاهنشاهی در ایران بوجود آورده بود، گورستانی که سالها کمونیستها و نیروهای رادیکال و مترقی در آن سرکوب شده بودند، در نهایت انقلاب را بشکست کشید. جمهوری اسلامی تنها میتوانست از گورستان سیاسی که رژیم شاه فراهم کرده بود سر بر کند.

بعد از بقدرت رسیدن خصلت ضد انقلابی جمهوری اسلامی دیگر کاملاً عیان شد و بر همه معلوم شد که رژیم جدید نه نتیجه و ارکان انقلاب بلکه عامل سرکوب آنست. قیام ۲۲ بهمن از پائین و علیرغم خواست خمینی و اسلامیونی که داشتند در توافق با بختیار بقدرت میخیزدند صورت گرفت. اینها در مقابل قیام ایستادند و تمام تلاششان را بکار بردند تا مردم را بخانه بفرستند و از تخریب بیشتر یادگانها و کلاترپها و مراکز ساواک بوسیله مردم قیام کننده جلوگیری کنند. بیدلیل نیست که امروز رژیم اسلامی و اپوزیسیون

سلطنت طلبش هر دو از قیام بهمن متنفرند. یکی میخواهد آنرا زیر "دهه فجر" تحریف و دفن کند و دیگری آنرا شوم ترین روز تاریخ ایران مینامد. ۲۲ بهمن قیام مردم برعلیه هردو این نیروهای ارتجاعی بود. و اما مردم بعد از قیام بخانه نرفتند. انقلاب با تحصن کارگران بیکار، اعتصابات و مبارزات کارگری در تهران و اصفهان و دیگر شهرهای ایران، با تظاهرات زنان و مبارزات دانشجویی، خیزش زحمتکشان و دهقانان در ترکمن صحرا و کردستان ادامه پیدا کرد و جمهوری اسلامی تنها بتدریج و با رودروئی مستقیم و سرکوب و کشتار مردم و کمونیستها و نیروهای رادیکال توانست بالاخره انقلاب را کاملاً بشکست بکشد.

امروز ما شاهد شکل گیری زمینه های انقلاب دیگری در ایران هستیم. جنبش سرنگونی که امروز در ایران در جریان است در واقع ادامه جنبش شوراها، ادامه آزادیخواهی و برابری طلبی و ادامه اعتصاب کارگران نفت و جنبش شورایی و شعار "برادری برابری حکومت کارگری" است که در آن انقلاب مطرح شد و ناکام ماند. نسل جدیدی از مردم پمیدان گذاشته اند اما خواست آزادی و برابری و رفاه و عدالت اجتماعی همانست که نسل گذشته برایش بپا خاست و شکست خورد. این بار اما پیروزی از آن مردم است. انقلابی که امروز در شرف شکل گیری است نیرو و توانی به مراتب عظیم تر و رادیکال تر از انقلاب ۵۷ را بمیدان خواهد آورد. این انقلاب زنان بر علیه آپارتاید جنسی است، انقلاب جوانان علیه سد قوانین ارتجاعی اسلام در ضدیت با یک زندگی شاد و مدرن و وسیع انسانی است، انقلاب توده وسیع مردم شریف و آزادیخواه علیه اختناق سیاه مذهبی است، این انقلاب کارگران علیه هارترین و ارتجاعی ترین حکومت سرمایه در تاریخ ایران است. این صف عظیم، صف کارگران و زنان و جوانانی که برای آزادی و برابری بر میخیزد، امروز پرچم و برنامه خود را دارد. برنامه یک دنیای بهتر و حزب کمونیست کارگری پرچم و رهبر انقلابی است که از راه میرسد.

**انترناسیونال هفتگی را در ایران
و خارج تکثیر و پخش کنید**

پرچم برابری طلبی در دست شما است

نامه اصغر کریمی به کادرهای
احزاب کمونیست گارگری ایران و عراق در سوئد



رفقا،

حتی مسلمان نامیدن خود ما، با اجازه قانونی دادن به تاسیس مدارس اسلامی و تخصیص بودجه به این مدارس، با گذراندن قانون برای تخفیف جرم قاتلین اسلامی، بر سستی که در قلب اروپا بر کودکان بویژه دختر بچه های معصوم و بر زنان در خانواده های اسلامی روا میشود چشم بیندند و با توجیه راسیستی "فرهنگ خودشان است" و "باید به آن احترام گذاشت" حقوق این بخش جامعه را زیر دست و پای اسلامیون و امام جمعه ها له کنند. این مقاومت اما به لطف فعالیتهای خستگی ناپذیر شما در طول چند سال گذشته در هم شکسته شد. و اینبار برای روزها و هفته های متوالی، بیحقوقی کودکان و زنان در خانواده های اسلامی به صدر رسانه ها کشیده شد و نه تنها ماهیت ارتجاعی اسلام در ابعادی وسیعتر افشا شد، که تئوری کثیف و راسیستی نسبت فرهنگی هم در اذهان عمومی تماما ورشکسته و بی آبرو شد. وزیر انتگرسیون در برابر فعالیتهای شما رسماً گفت به دختران خانواده های اسلامی خیانت کرده است، اقرار کرد که شما چشمانشان را به روی واقعیات باز کرده اید، قول داد استانداردهای دوگانه ای را که به قانون تبدیل شده است ملغی کند و حتی در مکاتباتش با برخی از شما نوشت که شماها روشن و جسورید و وجودتان برای این جامعه ضروری است. فعالیت شما آنچنان گسترده و موثر بود که تعدادی از رسانه های سراسری دانمارک و فنلاند و نروژ و آلمان و انگلیس و آمریکا هم مکرراً سراغ شما آمدند و نظرات شما را منعکس کردند. پیشروی شما به سوئد محدود نمیشود، دارید راه را به دیگران هم نشان میدهید.

اگر اتفاقات بعد از ۱۱

تلاش های ارزنده شما در سوئد، که بدنبال قتل فادیمه ساهین دال، نهمین قربانی قتل های ناموسی در سوئد، به اوج خود رسید، یک موفقیت بسیار درخشان در پیشروی اهداف انسانی و برابری طلبانه همه ما در مقابله با اخلاقیات ارتجاعی ناموس پرستانه و اسلامی بود. دهها مصاحبه و مطلبی که از شما در کانالهای مختلف تلویزیونی، رادیویی و روزنامه های سوئد منعکس شد، بیانگر پیشروی محسوس شما در جلب افکار عمومی در مقابل بربریت اسلامی، در مقابل بیحقوقی کودکان و بویژه دختر بچه ها در خانواده های اسلامی است و امید می رود دولت سوئد را به یک عقب نشینی آشکار وادار کند. شواهد این عقب نشینی اکنون کاملاً آشکار است. وعده های مونا سالین وزیر انتگرسیون، مواضع تعدادی از چهره های احزاب حاکم، لحن رسانه های رسمی، و از جمله هجوم ژورنالیستهای این کشور برای مصاحبه گرفتن از شما و به بحث گذاشتن پیشنهادات و بیانیه های کادرهای کمونیسم گارگری در پارلمان و رسانه های این کشور همگی طلایه های این عقب نشینی در برابر کاپیتولاسیون اسلامی و طرفداران جاهل نسبت فرهنگی است. قطعاً پارلمان سوئد مجبور است بخشی از مطالبات ما در دفاع از حقوق کودکان و زنان را برسمیت بشناسد و این یک پیشروی قابل توجه برای جنبش ما به حساب میآید. سالها ما را سانسور کردند، سالها در مقابل ما مقاومت کردند، سعی کردند اهداف آزادیخواهانه و عمیقاً انسانی ما را افراطی جلوه دهند، سالها زور زدند با کرنش و باج دادن به اسلامیون و

مبارزه برای افزایش دستمزدها، یک عرصه قدرتمایی کارگران



شهلا دانشفر

را میتوان بوضوح در اظهارات اخیر حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در گفتگو با خبرنگار اقتصادی ایسنا دید. او از پیشنهاد کانون عالی شوراهای اسلامی کار مبنی بر افزایش حداقل دستمزد کارگران حداقل تا ۱۳۵ هزار و حداکثر تا ۱۷۶ هزار تومان خبر داده و میگوید اگر در سال جاری حقوق کارگران بر اساس دلاری ۷۷۰ تومان محاسبه شود بایستی حقوق روزانه کارگر ۵ هزار و ۵۰۰ تومان باشد که این دستمزد در سال جاری عملی نشد ولی باید در سال آینده عملی شود.

اینبار نیز شاخک های تیز کانون عالی شوراهای اسلامی کار و خامت اوضاع را دریافته و با نقش کلاسیک و همیشگی اش به میدان آمده است. شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر علاوه بر جاسوسی و شناسایی کارگران کمونیست، همکاری مستقیم با مدیریت و نیروهای سرکوب رژیم و جلوگیری از متشکل شدن کارگران، اکنون نیز با مشاهده گسترش اعتراضات کارگری و خطیر بودن اوضاع میکوشند با پیش کشیدن این مبارزات کارگران را به چهارچوب قانونی محدود کرده، از گسترش دامنه آن جلوگیری کنند و با دلخوش کردن کارگران به وعده وعیدها در میانشان تفرقه ایجاد کنند و مبارزاتشان را به انحراف بکشانند.

اما کانون عالی شوراهای اسلامی و امثال حسن صادقی آبروباخته تر از آنند که کارگران وقعی بر نظرات و پیشنهادات

هر ساله سنتا در این موقع از سال هنگامیکه شورای عالی کار می رود تا میزان حداقل دستمزد سراسری کارگران را برای سال آتی تعیین کند مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها بالا میگیرد. امسال زودتر از هر سال زمزمه های این اعتراضات بلند شد. امسال روند دامنه این مبارزات بر سر خواست افزایش دستمزدها و حقوقها منحصر به کارگران نمانده و هم اکنون همه اقشار جامعه را در بر گرفته است. طبق آمار دولتی ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی میکنند و این بیانگر اینست که خواست افزایش حقوق و دستمزدها خواستی فوری و سراسریست.

جو اعتراضی در همه جا بالا گرفته و جامعه در شرایط ملتهبی بسر میبرد. بویژه اعتراضات با شکوه هزاران نفره معلمان توازن قوای سیاسی جامعه را تغییر اساسی داد و ابعاد این اعتراضات رنگ و فضای سیاسی جامعه را عوض کرد. بطوریکه ترس و وحشت از ابعاد این اعتراضات دولت را آنچنان نگران و سراسیمه کرده است که آشکارا از خطر بحرانهای اجتماعی صحبت میکنند، صحبت از این میکنند که نه تنها کارگران و معلمان بلکه همه شاغلان دولت زیر خط فقر زندگی میکنند و نسبت به عواقب اجتماعی آن اظهار نگرانی میشود. انعکاس اعتراضات گسترده کارگری به سطح نازل دستمزدها

سپتامبر چشم دنیا را بر آنچه اسلامیون بر مردم و زنان جوامع مسلمان نشین میاورند گشود، فعالیت های شما اما تا همینجا یک دولت را وادار کرده است تا دست بکار الغای برخی قوانین به نفع کودکان و زنان بشود و با استقبالی که از مباحث شما در برخی کشورهای دیگر بعمل آمده، زمینه برای تحمیل مطالبات ما در این کشورها نیز فراهم تر میشود.

طبعاً نه وزیر انتگرسیون و نه هیچکدام از احزاب حاکم قصد ندارند همه تحفه های وارداتی از اسلامیون از جمله مدارس اسلامی و حجاب کودکان را ممنوع کنند و سعی میکنند تنها بخشی از مطالبات ما را بپذیرند. برای به کرسی نشاندن همه این مطالبات و تغییرات اساسی در قوانین و سیاست های احزاب حاکم در سوئد تلاش بیشتری لازم است. نیروی این تغییر اما به لطف فعالیتهای گسترده شما دارد شکل میگیرد. افکار عمومی جامعه سوئد در مقیاس وسیعی با شما و ایده هایتان همراه شده است. اینرا از عکس العمل حاضرین در سمینارها، استقبالی که این روزها از جزوه حجاب گیت شده است، از خلال پیامهای همبستگی و اعلام همکاری هرروزه مردم به شما میتوان مشاهده کرد. مردم در ابعادی گسترده و بطور متوالی در سمینارها، در رسانه ها و در جدلهای مختلف شاهد مطالبات روشن و عمیقاً انسانی همه شما، صراحت و شجاعت شما، آمادگی شما برای درافتادن با هرکس و هرایدئولوژی و هر سنت و اخلاقی که جهانشمولی حقوق انسانها را زیر پا میگذازد بوده اند و این به شما موقعیت ویژه ای برای پیشروی

صفحه ۲

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.wpiran.org
www.wpibriefing.com
www.rowzane.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.jawanan.org
www.iwsolidarity.com
www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kvwpiran.org

Bank Account:
Z.I. Konto:
520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank
Germany

Website:
www.haftegi.com
Email:
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768

Address:
BM Box 8927
London
WC1N 3XX
England